



A Study and Analysis of the Role of Color in the Afghanistanian Resistance Poetry Based on Max Luscher's Theory A Case Study of Khalilullah Khalili's Poetry

Shafiullah Salik¹✉ Mahsa Rone² Seyed Ali Ghasemzadeh³

1. Corresponding Author, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. E-mail: sh.salik@edu.ikiu.ac.ir

2. Department of Persian language and literature, Faculty of Literature and Humanities, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. E-mail: rone@hum.ikiu.ac.ir

3. Department of Persian language and literature, Faculty of Literature and Humanities, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. E-mail: s.a.ghasemzadeh@hum.ikiu.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article
(P 187-210)

Article history:

Received:
28 September 2022

Received in revised form:
10 December 2022

Accepted:
17 December 2022

Published online:
15 March 2023

The contemporary Persian literature of Afghanistan, affected by the social and cultural factors of the constitutional revolution and then the 7th Soar coup (7th Ardibehesht), was transformed and became the basis for the formation of different poetic movements. Each of them interpreted poetry based on their idealistic ideas. The poets of these poetic movements have also used colors as a tool to express their political and social goals; especially the poets of the movement of resistance. One of the best movements of contemporary poetry in Afghanistan, have used a range of different colors in expressing their thoughts. Since colors play an important role in reflecting the emotional and spiritual personality of a human being. They have also been considered in the modern psychology and thus, Psychologists can understand the mental states of the composers by considering the quality of the choice of colors in poems. One of the tests that can tell the artist's mental state based on the quality of the use of colors, is Max Luscher's theory of color psychology. This article is looking for a precise and methodical reading of the poetry of Afghanistan resistance based on the theory of Max Luscher, so that it can help us in a comprehensive and accurate understanding of the thoughts and personalities of the poets of this movement and the important reflected elements of their poetry. To introduce the hidden layers of contemporary poetry of Afghanistan and the way of thinking of its contemporary poets. The present study, using the descriptive and analytical method, investigates and analyzes the colors used in the poetry of the first poet of the Afghanistan resistance, Khalilullah Khalili. In this article, Luscher's applied colors and their evocative have been collected first. Then each of them has been classified, analyzed, and studied with the approach of Max Luscher's theory. A case study of Lusher's use of eight colors in Khalilullah Khalili's poems shows that his first choice in his poems is red and black. Red is a symbol of life and death. The symbol of death with burning flames that destroys everything and the symbol of life that pours the passion of love in the heart. The choice of black color next to red in the first choice expresses his displeasure and disgust with the surrounding environment and his protest against the current situation, hatred of aggression, injustice, and the suffocating atmosphere of the society. But the green and blue color in the second choice, which reflects the real situation and the desired goal of affairs, shows his desire for a better life and hope for the future, which requires peace and intimacy. The choice of brown and gray colors in the third step shows that due to social unrest, Khalili expresses his feelings and emotions in a hidden manner, and this issue makes his poetry more mysterious and consequently more artistic. And the choice of yellow and purple in the fourth step shows the poet's desperation, which has led him to take refuge in himself. He hides his natural passion and imaginative nature as much as possible, and this issue has made his poetic language symbolic. As a result, it can be inferred that the abundant use of red and black colors in the first situation shows the poet's tendency towards the concept of the uprising and struggle against aggression, tyranny, and social disorder. The red color in his poems tells about martyrdom and struggle, and he seeks the way out of black color in red color, and therefore all his poems are covered with blood and martyrdom, and it tells about struggle. But also, the frequency of green and blue colors in the second situation which indicates the real situation, manifests the poet's desire for a better life, the end of aggression, tyranny, the creation of deep change and transformation in the society.

Keywords: Afghanistan's contemporary literature, resistance poetry, Khalilullah Khalili, color psychology, Max Loescher.

Cite this article: Salik, Shafiullah; Mahsa Rone and Seyed Ali Ghasemzadeh (2023), "A Study and Analysis of the Role of Color in the Afghanistanian Resistance Poetry Based on Max Luscher's Theory A Case Study of Khalilullah Khalili's Poetry", *Persian literature*, Vol: 12, Issue: 2, Ser.N: 30, 187-210, <https://doi.org/10.22059/jpl.2023.355231.2149>



© The Author(s).
DOI: <https://jop.ut.ac.ir/>

Publisher: University of Tehran Press.



ادب فارسی

شاپای الکترونیکی: ۴۱۱۳-۲۶۷۶

<https://jpl.ut.ac.ir/>



انتشارات دانشگاه تهران

بررسی و تحلیل کارکرد رنگ در شعر پایداری افغانستان براساس نظریهٔ ماکس لوشر؛ مطالعهٔ موردی اشعار خلیل‌الله خلیلی

شفیع‌الله سالک^۱ | مهسا رون^۲ | سیدعلی قاسم‌زاده^۳

۱. نویسندهٔ مسئول، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۶)، قزوین، ایران. رایانامه: sh.salik@edu.ikiu.ac.ir

۲. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۶)، قزوین، ایران. رایانامه: rone@hum.ikiu.ac.ir

۳. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۶)، قزوین، ایران. رایانامه: s.a.ghasemzadeh@hum.ikiu.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

ادبیات فارسی معاصر افغانستان، متأثر از عوامل اجتماعی و فرهنگی انقلاب مشروطه و سپس کودتای هفتم ثور (۱۷ دیبهبشت)، متحول و زمینه‌ساز شکل‌گیری جریان‌های متفاوت شعری شد که هر یک شعر را بر مبنای اندیشه‌های آرمان‌گرایانهٔ خویش تفسیر می‌کردند. شاعران این جریان‌های شعری از رنگ‌ها نیز، به‌عنوان ابزاری برای بیان اهداف سیاسی و اجتماعی خود، بهره برده‌اند؛ به‌ویژه شاعران جریان پایداری، از سرآمدترین جریان‌های شعر معاصر افغانستان، در بیان افکار خود، از طیف‌های مختلف رنگ‌ها استفاده کرده‌اند. رنگ‌ها، به‌سبب نقش مهمشان در بازتاب شخصیت عاطفی و معنوی افراد، در علم روان‌شناسی مدرن نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. یکی از آزمون‌هایی که بر اساس کیفیت کاربرد رنگ‌ها می‌تواند وضعیت روحی و روانی هنرمند را بازگو کند، نظریهٔ روان‌شناسی رنگ ماکس لوشر است. پژوهش حاضر به‌شیوهٔ توصیفی-تحلیلی انجام گرفته و اهمیت آن در این است که مطالعه روشمند شعر پایداری افغانستان می‌تواند ما را با لایه‌های پنهان و نحوهٔ تفکر شاعران این جریان آشنا سازد. بررسی موردی کارکرد هشت رنگ کاربردی لوشر در اشعار خلیل‌الله خلیلی، طلایه‌دار شعر مقاومت و پایداری افغانستان، نشان می‌دهد کاربرد وافر رنگ سرخ و سیاه در وضعیت نخست نشان‌دهندهٔ گرایش شاعر به مفهوم قیام و مبارزه علیه استبداد و نابسامانی‌های اجتماعی است؛ همچنین بسامد رنگ سبز و آبی در وضعیت دوم، که حاکی از وضع واقعی است، تمایل و امید شاعر به زندگی بهتر، پایان تجاوز و ایجاد تحول عمیق در جامعه را نشان می‌دهد.

نوع مقاله: پژوهشی

(ص ۱۸۷-۲۱۰)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۹/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۲۶

ادبیات معاصر افغانستان، شعر پایداری، خلیل‌الله خلیلی، روان‌شناسی رنگ، ماکس لوشر.

کلیدواژه‌ها:

استناد: سالک، شفیع‌الله؛ مهسا رون و سیدعلی قاسم‌زاده (۱۴۰۱)، «بررسی و تحلیل کارکرد رنگ در شعر پایداری افغانستان براساس نظریهٔ ماکس لوشر؛ مطالعهٔ

موردی اشعار خلیل‌الله خلیلی»، *ادب فارسی*، دورهٔ ۱۲، ش ۲، پیاپی ۳۰، ۱۸۷-۲۱۰. <https://doi.org/10.22059/jpl.2023.355231.2149>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



© نویسندگان.

۱. مقدمه

رنگ‌ها از آنجاکه در ارتباط حسی با محیط نقشی اساسی ایفا می‌کنند از عوامل مهم شناخت انسان از پیرامونش هستند و در جوامع مختلف به‌عنوان نماد عاطفی، فرهنگی، قومی و ملی به‌کار رفته‌اند. رنگ‌ها همچنین، به‌عنوان گسترده‌ترین حوزه محسوسات، نشان‌دهندهٔ باورها و خصوصیات نهانی انسان‌ها و مهم‌ترین عنصر هنری در بروز خلاقیت افراد به‌شمار می‌روند.

هر رنگی، در محیطی خاص، می‌تواند یادآور موضوعی باشد و هر قومی نیز بنا بر اوضاع اقلیمی خود، ممکن است رنگی را دوست بدارد و از رنگی نفرت داشته‌باشد (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ۲۶۹)؛ مثلاً نزد مسلمانان، سیاه نشانهٔ عزاداری، سرخ رمز شهادت و فداکاری، سفید رنگ شادی و سرور و رنگ لباس حجاج است. رنگ آبی نیز در نزد عبری‌ها رنگی مقدس و دارای جایگاهی والا است. در قرون اولیه نیز در چین، هند و اروپا، رنگ زرد مقدس بوده است و به‌سبب نسبتش با نور خورشید آن را رمز الههٔ خورشید می‌دانستند. بنابراین، در فرهنگ‌های گوناگون، به‌تناسب اعتقادات هر ملتی دلالت‌های مختلفی از رنگ‌ها پدید آمده که با مقدسات، اسطوره‌ها، آداب و سنن و تاریخ و جغرافیای آنان مرتبط است (قائمی و صمدی، ۱۳۸۹: ۲۶۴).

رنگ‌ها، به‌سبب نقش مهمشان در بازتاب شخصیت عاطفی و معنوی انسان، در روان‌شناسی جدید، از معیارهای سنجش شخصیت محسوب شده‌اند. یافته‌های علمی نشان داده‌اند که رنگ‌ها تأثیری خاص بر روان افراد دارند و نوع کاربرد آنها نشانگر وضعیت روانی و جسمی فرد است. هنرمندان و به‌ویژه شاعران از رنگ‌ها در خلق تصاویر هنری بسیار بهره برده‌اند. شعر افغانستان، پس از جنبش مشروطهٔ سال ۱۲۸۹ش، به‌ویژه دههٔ دموکراسی (۱۳۵۲-۱۳۴۳ش)، تحول اساسی یافت و عوامل اجتماعی و فرهنگی متعدّد همچون آشنایی روشنفکران با ایدئولوژی‌های نو بعد از جنگ جهانی دوم، ترجمهٔ آثار ادبی از زبان‌های ترکی، فرانسوی و انگلیسی، روابط نزدیک با اتحاد جماهیر شوروی، مهاجرت و آشنایی با آثار ادبی ایران موجب شکل‌گیری جریان‌های متفاوت شعری در افغانستان شد. شاعران جریان‌های مختلف شعری از کاربرد متفاوت رنگ‌ها نیز برای بیان افکار و اندیشه‌های خویش غافل نبودند؛ مثلاً شاعران جریان پایداری، از جریان‌های مهم شعر معاصر افغانستان، از عنصر رنگ استفادهٔ وافر برده‌اند. خلیل‌الله خلیلی، از شاعران معروف این جریان، طیفی گسترده از رنگ‌ها را در اشعار خود به‌کار برده که بازتابی از شخصیت و عواطف اوست؛ بنابراین تحلیل میزان و کیفیت کاربرد رنگ‌ها در اشعار او، می‌تواند دریچهٔ تازه برای درک دقیق‌تر شعر پایداری افغانستان بگشاید.

مطالعه در پیشینهٔ پژوهش حاضر نشان می‌دهد تاکنون در جریان‌های شعری افغانستان از این منظر پژوهشی انجام نگرفته اما پژوهش‌های فراوانی، بر مبنای نظریه روان‌شناسی رنگ، در اشعار شاعران ایرانی انجام گرفته که از جملهٔ آنهاست:

- «روان‌شناسی رنگ در اشعار سهراب سپهری» (۱۳۸۲) به‌قلم سیدعلی قاسم‌زاده و ناصر نیکوبخت؛

- «روان‌شناسی رنگ در مجموعه اشعار نیما (براساس روان‌شناسی رنگ ماکس لوشر)» (۱۳۸۵) به قلم مهین پناهی؛
- «سه صدا، سه رنگ و سه سبک در شعر قیصر امین‌پور» (۱۳۸۷) نوشته محمود فتوحی؛
- «کاربرد نظریه روان‌شناسی رنگ ماکس لوشر در نقد و تحلیل شعر فروغ فرخزاد» (۱۳۸۹) از مهیار علوی‌مقدم و سوسن پورشهرام؛
- «نسبت کاربرد رنگ‌واژه‌ها با روان‌شناسی شخصیت در شعر شاملو» (۱۳۸۹) نوشته ناصر نیکوبخت و سیدعلی قاسم‌زاده؛
- «تحلیل رنگ در اشعار شاملو براساس نظریه ماکس لوشر» (۱۳۹۱) به قلم مرتضی محسنی و همکاران
- «روان‌شناسی رنگ در اشعار هوشنگ ابتهاج براساس آزمایش ماکس لوشر» (۱۳۹۵) نوشته زهرا فرج‌نژاد فرهنگ
- اما همان‌گونه که اشاره شد، تاکنون هیچ پژوهشی به بررسی روان‌شناسی رنگ در شعر پایداری افغانستان نپرداخته است و در این پژوهش، برآنیم تا کیفیت بازتاب رنگ‌ها در اشعار نخستین شاعر شعر پایداری افغانستان، خلیل‌الله خلیلی را از منظر روان‌شناسی رنگ ماکس لوشر واکاوی و تحلیل کنیم.

۲. شعر پایداری افغانستان

تحولات ادبیات معاصر افغانستان، با کودتای هفتم ثور (اردیبهشت ۱۳۵۷)، شتاب گرفت و به‌ویژه با استقرار نظام کمونیستی وابسته به شوروی که ادبیات را در خدمت سیاست و تبلیغ آرمان‌های چپ می‌دید نوعی ادبیات ایدئولوژیک در افغانستان به‌وجود آمد. کمونیست‌ها، برای تسری دادن اندیشه مارکسیستی در سراسر افغانستان، «لازم می‌دیدند تا بر مراکز علمی و فرهنگی تسلط داشته‌باشند و صاحبان ادب، فرهنگ و هنر را به‌منظور توسعه و پیشبرد این اندیشه بسیج نمایند» (ارجمندی، ۱۳۹۱: ۳۳۰). با مخالفت برخی از شاعران با ایدئولوژی مارکسیستی و شعر سوسیالیستی، جریان شعر مقاومت در کنار جریان‌های مرسوم شعر دینی و عرفانی، رئالیسم اجتماعی، رمانتیک فردگرا و جامعه‌گرا و... شکل گرفت؛ جریانی که علیه نظام دست‌نشانده اتحاد جماهیر شوروی به-پاخاسته‌بود.

به‌گواه تاریخ، در ادبیات ملت‌های بی‌دغدغه و آرام که با فشار دستگاه مستبد حاکم و یا تهاجم بیگانگان مواجه نبوده‌اند، نمی‌توان نشانی از ادبیات مقاومت یافت؛ اما در تاریخ افغانستان هرزمان جامعه ازسوی نیروهای بیرونی و عوامل مستبد داخلی تحت فشار قرار گرفته، ادبیات مقاومت ظهور و بروز یافته است (بصیری، ۱۳۸۸: ۲۳). حاکمیت کمونیست‌ها براساس ایدئولوژی مارکسیستی در قرن بیستم در افغانستان، همراه با رواج اندیشه‌های دین‌ستیزانه، می‌کوشید با تضعیف باورهای ملی و مذهبی مردم اصالت، هویت و آداب‌ورسوم سرزمینی با پیشینه فرهنگی و تاریخی غنی را بزداورد (ارجمندی، ۱۳۹۱: ۳۳۰)؛ بنابراین شکل‌گیری ادبیات پایداری و مقاومت در افغانستان واکنشی به بی‌عدالتی‌ها، خودبینی‌ها و فرافکنی‌های طبقه حاکم بود.

شاعرانی که در داخل کشور از نزدیک شاهد جنایات و کشتار و ویرانی‌ها بودند، محتاطانه این اختناق را در اشعار خود ترسیم و آرزوی پیروزی و رسیدن به صبح روشن آزادی را منعکس می‌کردند؛ بنابراین برخی معتقدند «این‌گونه شعر، برخلاف شعر برون‌مرزی، که با آزادی و صراحت تمام سروده می‌شد، این توفیق اجباری را یافت که پوشیده‌تر، رمزآمیزتر و در نتیجه هنری‌تر باشد» (واصف باختری، ۱۳۷۳: ۸)؛ گروهی از شاعران نیز که نتوانستند، در تقابل با ایدئولوژی کمونیستی و برای دفاع از عقاید اسلامی خویش، در افغانستان بمانند به کشورهای مجاور نظیر ایران و پاکستان یا اروپا و آمریکا مهاجرت کردند و شاخهٔ گسترده از جریان شعر مهاجرت افغانستان در دیگر کشورها شکل گرفت؛ که البته اشعار مقاومتی که در مهاجرت سروده شده «در سطح و تکنیک برتر و بهتر از اشعار مقاومتی هستند که در داخل افغانستان سروده شده‌اند؛ چون شاعران مهاجر هم فرصت کافی برای شعر گفتن دارند و هم از دانش فنی و وسیع شعری برخوردارند و همچنان سایه‌ای دولت بالای سرشان نیست و آزادند» (انوشه و شریعتی، ۱۳۸۲: ۶۴).

«ادبیات مقاومت نوعی از ادبیات متعهد و ملتزم است که از طرف مردم و پیشروان فکری جامعه در برابر آنچه حیات مادی و معنوی آنها را تهدید می‌کند به‌وجود می‌آید» (بصیری، ۱۳۸۸: ۲۶). اشعار خلیل‌الله خلیلی بعد از کودتای هفتم ثور، به‌ویژه مستزاد «ای وای وطن، وای وطن، وای وطن وای» و چند قصیده دیگر که در آمریکا سرود، از نخستین نمونه‌های شعر پایداری افغانستان محسوب می‌شود (واصف باختری، ۱۳۷۳: ۷۷). ابوطالب مظفری نیز همچون واصف باختری، با وجود انتقادهایی که به زندگی این شاعر قبل از کودتای هفتم ثور دارد، اما پس از تجاوز نیروهای اشغالگر شوروی خلیلی را طلابه‌دار شعر مقاومت معرفی کرده است (مظفری، ۱۳۷۳: ۸۷). پس از او نیز شاعرانی متعهد و وطن‌دوست همچون عبدالقهار عاصی، عبدالرحمن پژواک، عبدالسمیع حامد، پرتو نادری و... اشعاری غالباً نمادین و سمبولیک در انتقاد از ظلم و استبداد سرودند و شعر پایداری را به جریانی مهم در شعر معاصر افغانستان بدل ساختند.

۳. نظریهٔ روان‌شناسی رنگ ماکس لوشر

رنگ، در علم روان‌شناسی نوین و در ارزیابی شخصیت انسان، پدیدهٔ قابل‌توجه است. روان‌شناسان، با دقت در کاربرد رنگ‌ها، لایه‌های پنهان شخصیت افراد را بازمی‌شناسند. «یونگ، یکی از بزرگ‌ترین متفکران و روانپزشکان قرن بیستم، به نیروی نمادین رنگ‌ها اعتقاد داشت. او بیمارانش را تشویق می‌کرد که از رنگ‌ها در نقاشی‌هایشان استفاده کنند و پیوندی بین ناخودآگاه و خودآگاهشان برقرار سازند» (سان، ۱۳۷۹: ۵۸).

شخصیت هنری و فکر و احساس هنرمند نیز با دقت در نحوهٔ رنگ‌آمیزی‌ها و فرم آثارش قابل‌شناسایی است (ایتن، ۱۳۶۷: ۷۹). هر اثر هنری، خودآگاه و ناخودآگاه، بیانگر اندیشه، دستگاه فکری و جهان‌بینی آفریننده آن است. شعر نیز برآمده از عواطف و احساسات شاعر و آیینۀ تمام‌نمای شخصیت و روحيات اوست (قاسم‌زاده و نیکوبخت، ۱۳۸۲: ۱۴۸).

در روان‌شناسی رنگ‌ها، پژوهش‌های متعددی انجام شده که از آن میان آزمون رورشاخ^۱ و لوشر^۲ شهرت و نفوذ جهانی دارند. آزمون ماکس لوشر (۹ سپتامبر ۱۹۲۳-۲ فوریه ۲۰۱۷)، روان‌درمانگر و استاد دانشگاه سوئیس، برای سنجش وضعیت روانی فرد براساس ترجیح رنگی، مشهور است. او رنگ‌ها را با تمام جزئیات زندگی و حال‌وهوای روانی افراد مرتبط می‌داند؛ زیرا «برخی از رنگ‌ها بر اثر تشعشعاتی که دارند، نشاط‌انگیز، آرام‌بخش و قرارآفرین‌اند و برخی دیگر تحرک‌بخش و مایه سرزندگی و جنب‌وجوش‌اند و موجب تحریک و تهییج می‌شوند و برخی برعکس انرژی منفی می‌دهند» (شجاعی، ۱۳۹۶: ۷۳). رورشاخ و لوشر رنگ‌های اصلی (آبی، سبز، زرد و قرمز) را موردپسند افراد بهنجار و رنگ‌های فرعی (همچون خاکستری، قهوه‌ای و سیاه) را منتخب افراد ناهنجار می‌دانستند و براین اساس به تحلیل ویژگی‌های روانی افراد می‌پرداختند (قاسم‌زاده و نیکوبخت، ۱۳۸۲: ۱۴۸).

در آزمایش لوشر هر رنگ مستقلاً و بدون دخالت رنگ‌های دیگر و به‌دور از دید زیبانگراانه بررسی می‌شوند (لوشر، ۱۳۹۹: ۲۸). فرد، از میان هشت کارت رنگی، طبق علاقه و تمایلش، به‌ترتیب رنگ‌ها را برمی‌گزیند و رنگ محبوبش را در انتخاب نخست و رنگی را که برای او کم‌اهمیت‌تر است یا از آن بیزار می‌جوید در جایگاه هشتم قرار می‌دهد. چهار رنگ اصلی لوشر دارای ارجحیت و نشان‌دهنده احتیاجات اولیه روانی‌اند. «در آزمایش فرد دارای سلامت روانی این رنگ‌ها در شروع ردیف رنگ یا حداقل در پنج وضعیت اول قرار می‌گیرند. در غیر این صورت، نشانه نارسایی فیزیولوژی یا روانی است که هرچه به قسمت آخر ردیف رنگ اصلی نزدیک‌تر باشد باید جدی‌تر تلقی شود» (همان: ۵۰). در تست لوشر، چهار رنگ فرعی هم وجود دارد: بنفش (ترکیبی از قرمز و آبی)، قهوه‌ای (آمیزه‌ای از زرد، قرمز و سیاه)، خاکستری (که هیچ رنگی ندارد) و سیاه (که نفی رنگ‌هاست). آزمون رنگ لوشر در طول بیست سال پس از تدوینش تغییراتی نیز یافته که از جمله آن جامع شدن تفسیر این آزمون است (لوشر، ۱۳۹۸: ۱۸). در این آزمون هشت کارت انتخاب می‌شوند که پشت هر یک عددی نوشته شده است: خاکستری (۰)، آبی (۱)، سبز (۲)، قرمز (۳)، زرد (۴)، بنفش (۵)، قهوه‌ای (۶)، سیاه (۷). کارت‌ها، پس از انتخاب و مرتب شدن، دوبه‌دو گروه‌بندی می‌شوند. دو رنگ از سمت چپ که در اول ردیف قرار می‌گیرند و نشانگر بیشترین علاقه‌اند، با علامت جمع (+)، زوج دوم با ضربدر (x)، زوج سوم با مساوی (=) و زوج چهارم با تفریق (-) طبقه‌بندی می‌شوند. به این ترتیب، چهار منطقه دوتایی به‌دست می‌آید که هر یک شامل دو وضعیت ترتیب قرار گرفتن رنگ موردعلاقه در مناطق چهارگانه و تفسیر کارکردی علامت‌هاست که عبارتند از:

۱. منطقه ترجیح شدید یک رنگ، با علامت (+)، نشانگر اهداف مطلوب یا رفتار ناشی از هدف‌های مطلوب و شامل دو وضعیت: وضعیت اول نمایانگر روش اساسی است که شخص برای رسیدن به هدفش انتخاب می‌کند و وضعیت دوم هدف واقعی فرد را نشان می‌دهد.

1 . Rorschach

2 . Lüscher

۲. منطقهٔ ترجیح عادی یک رنگ، با علامت (x)، بیانگر وضع موجود یا رفتار مناسب با وضع موجود و نشانگر «وضع واقعی امور» است؛ یعنی وضعیتی که شخص واقعا خود را در آن می‌یابد و این منطقه شامل وضعیت سوم و چهارم است.

۳. منطقهٔ بی‌تفاوتی نسبت به یک رنگ، با علامت مساوی (=)، شامل وضعیت پنجم و ششم و بیانگر صفات بارز تحت محدودیت یا رفتار نامناسب با وضع موجود و حاکی از «بی‌تفاوتی» فرد نسبت به آنهاست.

۴. منطقهٔ بی‌میلی یا انزجار از یک رنگ، با علامت منها (-)، شامل وضعیت هفتم و هشتم و بیانگر صفات بارز مطرود یا سرکوب‌شده، یا صفات بارز مملو از اضطراب و نشانگر نیاز خاص عاری از ضرورت است (ویلز، ۱۳۷۴: ۳۲-۶۴)؛ بنابراین، ترتیب قرارگیری رنگ‌ها، نشان می‌دهد رنگ موردنظر، نشانگر چه کنشی است؛ زیرا گرایش ذهنی به رنگ‌های مختلف، از مطلوب‌ترین تا منفورترین رنگ، بیانگر بازتاب‌های متفاوت روانی است.

طرد یک رنگ اصلی و قرارگیری آن در آخرین یا هشتمین وضعیت نشانه عدم ارضای یکی از نیازهای اولیه شخص و نامطلوب بودن وضعیت موجود برای فرد است. این نارضایتی منبع فشار روحی و موجد محرومیت‌هایی در زندگی شخص شده است (لوشر، ۱۳۹۹: ۵۰)؛ بنابراین این آزمون زوایای ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه، ساختار روانی شخص و... را نمایان می‌سازد. البته از نسبی بودن آزمون لوشر نیز نباید غفلت کرد؛ زیرا انسان موجودی است ناشناخته و متغیر. به‌رروی این آزمون، با تحلیل شخصیت روانی افراد و توجه به مرکز فشار روحی و جسمی، به روان‌شناس مدد می‌دهد تا کمتر به قضاوت خویش تکیه کند و سادگی و اعتبار این آزمون نیز قابل توجه است (علوی‌مقدم و پورشهرام، ۱۳۸۹: ۸۵).

۴. رنگ‌های کاربردی لوشر در شعر خلیل‌الله خلیلی و معنا و اهمیت آنها

در این پژوهش، نخست معنا و اهمیت هر هشت رنگ براساس کمیّت و بسامد آن در شعر خلیلی تبیین و سپس عملکرد شاعر در هر گروه رنگی بررسی و تحلیل شده است.

۱-۴. رنگ سرخ (۳)

سرخ رنگ و نماد عشق، نمایانگر نیروی حیات و فعالیت عصبی و غددی، دارای معنای آرزو، اشتیاق وافر و بیدارکنندهٔ احساسات و هیجانات عاشقانه فرد است. قرمز محرک اراده برای پیروزی و از نظر سمبلیک شبیه خونی است که هنگام پیروزی ریخته می‌شود (لوشر، ۱۳۹۹: ۸۸). این رنگ همچنین نماد فداکاری، شوریدگی و آشوب، خورشید، آتش، قدرت و سلطنت (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۷: ۲۲) و دارای طبیعت بسیار مثبت و از بین‌برنده افکار و احساسات منفی است. شرقی‌ها، مدت‌ها قبل از به‌قدرت رسیدن کمونیست‌ها قرمز را رنگ خوش‌شانسی و خوشبختی می‌دانستند. همچنین در روسیه، قبل از آن که قرمز سمبل انقلاب شود، رمز غرور ملی بود (خواججه‌پور و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۶). در قدیم قرمز رنگ لباس جنگ و سمبل خونی بود که با خشونت ریخته شود (دی و تایلور، ۱۳۸۷: ۴۶).

۱۲). شخصی که رنگ قرمز را در وضعیت اول انتخاب کند، به زندگی پر جنب و جوش متمایل و به رهبری، تلاش خلاق، رشد یا فعالیت بسیار خیالافانه گرایش دارد (لوشر، ۱۳۹۹: ۸۹).
قرمز، در اشعار خلیلی، در وضعیت اول و پرکاربردترین رنگ است و در تصویرسازی و نمادپردازی‌های اشعار او حضوری برجسته دارد:

فرخنده سنگری که به خون سرخ گشته است	غیر از تو، ای مبارز رزمنده! جای کیست؟ (خلیلی، ۱۳۸۵: ۲۵۴)
به جای لاله و نسرين ز گل زمين هرات	گل مزار به خون سرخ کشتگان آورد (همان: ۱۱۷)
روزی از خون این ستمکاران	سرخ، این خاکدان نخواهد شد؟ آنکه فرمان به خون مردم راند
تر به اشک ناتوانان خنجر ظلمش به کف	سرخ از خون شهیدان تیغ عریان در بغل (همان: ۱۶۱)
کنون که خاک وطن سرخ گشته است به خون	خوشا کسی که بمیرد به حال بی خبری (همان: ۲۱۴)

در شعر خلیلی گل سرخ و برگ سرخ نیز نماد شهید و شهادت است:

بوسد به جای هر گل سرخی به نوبهار	رخسار کشتگان جفا و ستمگری (همان: ۲۱۲)
ز هر سرخ برگی به صحن چمن	به یاد آیدم کشتگان وطن (همان: ۶۲۵)
بهاران هر گل سرخی کز این صحرا بر آرد سر	بود خون سیه روزی، به روی سبز دیبایی (همان: ۲۳۸)
این شهیدان گل سرخ چمن رحمان اند	مایه ناز زمین، مفخرت انسان اند (همان: ۵۰۱)

او گاه واژه سرخ را در توصیف فضای پرآشوب و ترس و نابسامانی‌های دوران خود به کار برده است:

کشوری سرخ به خون شد ز سیه کاری ما	هوس قدرت و دربار، همان است که بود (همان: ۲۷۲)
سبزه اش تر شده از گریه فرزند یتیم	گل آن سرخ ز خوناب دل بیوه زنا (همان: ۹۰)
چه دختران که به خون سرخ کرده زلف سیاه	به جای آنکه بیالایدش به مشک و عبیر (همان: ۱۴۴)
به خون بیگناهان سرخ، صحن صد چمن بینی	میان خار و خارا شاهدان سیم تن بینی (همان: ۴۲۷)

گاه نیز سرخ نماد پرچم کمونیستی و لشکر متجاوز شوروی شده است:

آن کج کلاه سرخ‌لوا، دشمن بشر
تف بر فسانه‌های حقوق بشر نکرد
(همان: ۲۶۴)

آن سرخ پرچم از سر ایوان شده نگون
وان قصر جور گشته چو خاکستر، آفتاب!
(همان: ۱۰۱)

مسلمان! اینک آمد پرچم سرخ مسلمان کُش
تو بیجا خویش را زین سیل آتش برکران بینی
(همان: ۲۳۴)

در مجموع رنگ سرخ و احمر در شعر خلیلی ۱۴۲۲ بار به کار رفته که ۶۱ بار آن مستقیم و ۱۳۶۱ بار شاهد تداعی‌گرهای رنگ سرخ هستیم:

جدول شمارهٔ ۱. بسامد رنگ سرخ و تداعی‌گر آن در شعر خلیلی

دیبان اشعار	رنگ سرخ و تداعی‌گر آن	قصیده‌ها	نثرها	قطعه‌ها	رباعی‌ها و دوبیتی‌ها	چهار پارچه‌ها	ترکیبات	مسمط‌ها و مستزادها	مثنوی‌ها
سرخ	۲۵	۵	-	-	-	۲	۷	۱	۱۲
احمر، حمرا	۴	۲	۱	۱	-	-	۲	-	-
گل سرخ، سوری، رز، انار، گلنار	۲	۱	-	-	-	۱	۲	-	۴
لاله، لاله‌گون، شقایق	۳۰	۱۴	-	-	۲	۵	۱۷	۶	۱۵
مرجان، یاقوت، لعل، عقیق	۱۳	۶	۳	۳	۲	-	۱	۲	۵
خون، خونین، خوناب، خونبار	۱۰۰	۶۱	۱۶	۱۶	۱۶	۴۰	۸۸	۲۱	۹۸
شهید، شهادت، بسمل	۱۷	۴	-	-	۱	۴	۲۰	۱	۱۱
گل، گلگون، گلزار، گلستان، گلشن،	۷۴	۶۷	۲۶	۲۶	۲۷	۲۸	۷۸	۲۱	۹۰
آتش، آتشین، نار، شعله، اخگر، آذر	۶۹	۳۳	۹	۹	۱۳	۱۶	۲۷	۸	۵۷
شفق، شفق‌گون	۲	۱	-	-	-	-	-	-	۱
شراب، می، ساغر، باده، جام	۱۰	۱۶	۵	۵	۱۰	۱	۱	-	۲۱
نسرین، نسترن	۸	۲	۲	۲	۱	۲	۴	-	۲
مجموع	۳۵۴	۲۱۲	۶۲	۶۲	۷۲	۹۹	۲۴۷	۶۰	۳۱۶
مجموع کل									۱۴۲۲

۲-۴. رنگ سیاه (۷)

سیاه سمبل غم و اندوه، ترس و دلهره، رازداری و ابهام و گاه یادآور شب، اسرار پوشیده، ظلمت، سوگواری، سکوت و مرگ است (شجاعی، ۱۳۹۶: ۹۶). سیاه تیره‌ترین رنگ، نفی‌کننده خود، پایان زندگی و بیانگر ایده پوچی و نابودی است. این رنگ را بیانگر ترک علاقه، تسلیم یا انصراف نهایی و دارای اثر قوی بر هر رنگی دانسته‌اند (لوشر، ۱۳۹۹: ۹۹). سیاه در قرآن بیشتر در وصف حالات مشرکان آمده و نماد کفر و گمراهی است اما در گروه‌های مذهبی نماد ریاضت و ترک تعلقات مادی نیز هست. سیاه، برخلاف سفید، رنگی بی‌تحرك و ساکن و مانع هرگونه تحریک روانی و جسمی (خواججه‌پور و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۱) و همچنین تداعی‌گر نیروهای جادویی است (دی و تاپلور، ۱۳۸۷: ۱۰).

چنانچه سیاه در نیمه اول این آزمایش قرار گیرد (به‌ویژه در سه وضعیت اول)، منجر به رفتار جبرانی از نوع افراطی می‌گردد. هرکس که سیاه را در وضعیت اول انتخاب کند می‌خواهد همه چیز را نفی کند؛ چون احساس می‌کند هیچ چیز آنطور که باید و شاید نیست. این شخص در برابر سرنوشت رفتاری عجولانه و غیرعقلانه از خود نشان می‌دهد و اگر در وضعیت دوم باشد، شخص انتخاب‌کننده مایل به نفی هر چیز دیگری است، به شرط اینکه بتواند واجد تمام صفاتی باشد که رنگ موردنظر او در وضعیت اول نشانگر آن است؛ مثلاً اگر رنگ قرمز در وضعیت اول و سیاه در وضعیت دوم باشد، که در شعر خلیلی چنین است، می‌توان توقع داشت که ارضای آرزوهای مبالغه‌شده به‌صورت رفتار جبرانی ظاهر می‌شود (لوشر، ۱۳۹۹: ۱۰۰).

دومین رنگ پرکاربرد در شعر خلیلی رنگ سیاه است که به‌طور مستقیم یا در قالب تداعی‌گرها، در تصویرسازی و نمادپردازی به‌کار رفته است:

عقل را پرسیدم از تاریخ آن سال سیاه	گفت: از دور هلالی «سال غمبار وطن» (خلیلی، ۱۳۸۵: ۳۵۹)
در آن صحرا سیه‌خیمه است یا آوارگان جمع‌اند؟	بگویند، ای مسلمانان که آن شهر سیاه کیست (همان: ۴۶۰)
این دو سه نیروی خطیر سیاه انجمنی ساخت دروغ‌آفرین	کرد به هر نوع بشر را تبه خنده به لب، صاعقه در آستین (همان: ۶۳۲)
از این دو نیروی سیه‌گیتی شده چون رزمگه	گردد جهان آخر تبه در چنگ این کفتارها (همان: ۹۴)
به ابرهای سیه‌بین که مرگ می‌بارد به مادران ستم‌دیده بین که می‌بینند	به‌جای دانه باران به هر در و هر بام گلوی کودکشان زیر تیغ خون‌آشام (همان: ۱۶۵)
این مار سیه بود سیاست	افسون بزرگی و ریاست (همان: ۵۸۴)

در دیوان خلیلی این رنگ ۹۰۴ بار به‌کار رفته که ۱۲۹ بار آن مستقیم و صریح و ۷۷۵ بار غیرمستقیم و در قالب تداعی‌گراهاست:

جدول شماره ۲. بسامد رنگ سیاه و تداعی‌گر آن در شعر خلیلی

دیوان اشعار	قصیده‌ها	غزل‌ها	قطعه‌ها	رباعی‌ها و دوبیتی‌ها	چهارپاره‌ها	ترکیبات	مسطح‌ها و مستزادها	مثنوی‌ها	رنگ سیاه و تداعی‌گر آن
									سیاه، سیه، سیاهی، سیه‌فام
ظلمت، ظلم، ظلام	۷	۲	۱	-	۶	۴	۲	۳	
تار، تاریک، دیجور	۱۰	۲	۱	۵	۳	۹	۶	۱۰	
شب، شبگون، شبستان، لیل	۱۲۰	۹۱	۲۲	۱۵	۳۹	۴۰	۲۲	۱۲	
شام، شامگاه	۲۹	۲۵	۶	۴	۱۰	۸	۶	۴۶	

۱۲	۴	۷	۱	۲	۱	۱۱	۲۱	تیره، تیرگی، خسوف، کسوف
۱۱	۱	۱۴	۲	-	۱	۲	۱۰	مشک، مشکین، عبیر، عنبر
۱۶	۲	۷	۹	۱	۵	۳۲	۱۱	زلف، گیسو، مو
۳	۱	-	۱	-	۱	۱	۵	قیر، قیرگون، قیرینه، زغال
۲	۱	۱	-	۱	۱	۱	۲	سرمه، توتیا، کافور
۲	۱	۴	۱	-	۱	-	۶	زاغ، زغن، خفاش، بوم، کلاغ
۱۴۶	۵۶	۱۰۷	۹۴	۳۱	۴۶	۱۷۳	۲۵۱	مجموع
۹۰۴								مجموع کل

۳-۴. رنگ سبز (۲)

سبز نماد رشد، احساسات، باززایی، فروپاشی ناشی از مرگ، امید و باروری است (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۷: ۲۲). رنگ سبز، ترکیبی از آبی و زرد، و نشانگر آرامش و امیدواری و آمیزشی از دانش و ایمان است (ایتن، ۱۳۶۷: ۲۱۸). در اسلام نیز نماد ایمان و عقیده، توکل و فناپذیری و ابدیت است و سمبل رستاخیز و محشر. اسلام رنگ سبز را ستوده و خداوند در قرآن فرموده است «بهشتی‌ها لباس سبز حریر می‌پوشند» (کهف، آیهٔ ۳)؛ پوشش‌های سبزرنگ، سیره و روش خاندان نبوت و امامت نیز بوده است. (خواججه‌پور و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۳)

رنگ سبز را رنگ اعتدال، تعقل، تفکر و آرامش خردمندانه نیز دانسته‌اند (آیت‌اللهی، ۱۳۹۹: ۱۵۷). به نظر لوشر کسی که رنگ سبز را انتخاب می‌کند می‌خواهد عقاید خود را به کرسی بنشاند و به اصولی اساسی و تغییرناپذیر باور دارد؛ در نتیجه خود را برتر می‌داند و می‌خواهد به دیگران پندهای اخلاقی دهد و موعظه کند (لوشر، ۱۳۹۹: ۸۵). انتخاب‌کنندگان این رنگ هر دو سوی یک مشکل را می‌بینند و معمولاً خیر و شر اخلاقی را به شدت رعایت می‌کنند و اصلاحگرانی متمایل به اصلاح وضعیت موجود هستند که به دیگران پند و اندرز اخلاقی می‌دهند (دی و تایلور، ۱۳۸۷: ۷۰-۷۱). سومین رنگ کاربردی لوشر در اشعار خلیلی رنگ سبز است که در تصویرسازی‌های آن نقشی بسزا ایفا می‌کند:

سرو سرنگون گشته، سبزه تر به خون گشته	بخت واژگون گشته باغبان کابل را (خلیلی، ۱۳۸۵: ۲۴۴)
هر سبزه کز این غمکده خیزد به بهار	در دیدهٔ من خلد چو سوزن بی تو (همان: ۳۰۱)
سبزه‌اش تر شده از گریهٔ فرزند یتیم	گل آن سرخ ز خوناب دل بیوه‌زنا (همان: ۹۰)
سرو گویی چو عمادی است که آتش زده‌اند	گلبن آن گنبدی سبزی که ز صد جا سوزد (همان: ۱۱۹)
همیشه دولت سرسبزی شهیدان باد	که گشته‌اند به خون سرخ زیر چرخ کبود (همان: ۱۲۵)
به سنگر میروی پیراهن گلنار در بر کن گره زلف پریشانست به زیر سبزچادر کن	صدای آتشینت را به میدان آتشین تر کن سرود عشق را برخوان، نوای شوق را سر کن (همان: ۴۲۴)

پرچمش را نصب کرده ملحد اندر مرز بلخ بر فراز گنبد سبز امیر المومنین
(همان: ۴۷۶)

علم‌های سیاه و سبز و گلگون چو شاخ گل دمد از لجه خون
(همان: ۵۴۳)

این رنگ در دیوان اشعار خلیلی «۵۶۳ بار» کاربرد دارد که ۶۴ بار، صریح و ۴۹۹ بار به صورت
تداعی‌گر رنگ سبز آمده است:

جدول شماره ۳. بسامد رنگ سبز و تداعی‌گر آن در شعر خلیلی

دیوان اشعار رنگ سبز و تداعی‌گر آن	فصلیه‌ها	غزل‌ها	قطعه‌ها	رباعی‌ها و دوبیتی‌ها رباعی‌ها	چهار پارها	ترکیبات	مسمط‌ها و مستزادها	مثنوی‌ها
سبز، سبزه، سرسبز	۲۷	۴	۳	-	۳	۱۲	۵	۱۰
زمره، زمردگون	۲	-	-	-	-	-	-	۱
زنگار، زنگاری	۵	-	-	-	-	-	-	۱
اخضر، خضر، خضرا	۸	۴	۴	-	۱	۴	۲	۴
پدرام، خرم	۴	۱	-	۲	۲	۴	-	۸
باغ، حدیقه	۱۷	۱۱	۶	۴	۳	۱۵	۴	۲۳
چمن، مرغزار، فالیز	۱۴	۱۴	۲	۴	۴	۱۱	۵	۲۵
سرو، صنوبر، شمشاد، کاج، ناچو	۱۲	۱۱	-	۱	۳	۱۱	۵	۱۳
بهار، فروردین، ربیع، نوروز	۵۶	۲۲	۱۱	۱۰	۱۳	۳۰	۹	۳۱
بهشت، جنت، خلد، طوبی، فردوس	۸	۳	۶	-	۴	۳	۳	۹
مزرع، مزرعه	-	۲	-	-	-	-	-	۲
نازبو، ضمیران	-	-	۲	-	-	-	-	-
مجموع	۱۵۳	۷۲	۳۴	۲۱	۳۳	۹۰	۳۳	۱۲۷
مجموع کل	۵۶۳							

۴-۴. رنگ آبی (۱)

آبی سمبل حکمت و نمادی از آرامش است و نمایانگر حقیقت، اعتماد، عشق و ایثار، تسلیم و فداکاری و همچنین مظهر ابدیت بی‌انتهای و نشانه ارزش‌های پایدار. آبی رنگ روشنی، طراوت و تازگی، آرامش، سکوت و امید است. طبق اصول رنگ‌شناسی موجب حس ارتفاع و عمق در بیننده است؛ ارتفاعی به وسعت آسمان و عمقی به ژرفای دریا. همچنین این رنگ تداعی‌گر آرامش، صلح و راحتی و گشاینده دریچه روح انسان به سوی مشکلات و ایجادگر توازن میان شخص و دیگران است (خواجیه‌پور و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۳). آبی نماد احساسات دینی، امنیت و پاکی معنوی و کاملاً دارای جنبه مثبت است (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۷: ۲۲) و درون‌گرایی و تمرکز فکر و اندیشه به این رنگ حالت خدایی بخشیده است (آیت‌اللهی، ۱۳۹۹: ۱۵۴) و نماد آگاهی روحانی و نزدیکی به خداوند نیز هست (باسانو، ۱۳۸۳: ۵۹). به سبب تشابه به دریا و آسمان مظهر آرامش و سکون و از حیث سمبلیک یادآور آب آرام، خلق و خوی آرام، طبیعت زنانه و روشنی است (خواجیه‌پور و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۳). آبی تیره که رنگ آسمان شب است، بی‌حرکتی، آرامش و کاهش فعالیت بدنی را به همراه دارد.

فیروزه‌گون								
۶۰	۱۰	۲۱	۱۲	۵	۱۳	۲۵	۵۲	آسمان، آسمانی، سما، مینو
۷۰	۹	۲۶	۱۸	۱۵	۱۳	۲۷	۵۶	آب، آبشار، چشمه، رود، دریا
۷	۱	۳	۲	۱	۵	۴	۸	آیین، شیشه، بلورین، بلورینه
۱	-	-	۱	۱	-	۶	۵	کوثر، زمزم، سلسبیل، آمو
۱۴۷	۲۱	۵۰	۳۷	۲۲	۳۵	۶۲	۱۳۴	مجموع
۵۰۸								مجموع کل

۵-۴. رنگ قهوه‌ای (۶)

رنگ قهوه‌ای، رنگ خاک، یادآور کالبد و زمین، دارای مفهوم متانت، فروتنی و تنزل، رنگ استحکام، سخت‌کوشی و یاریگری است. این رنگ نماد رویش و تکامل نیز هست (شجاعی، ۱۳۹۶: ۱۰۰). رنگ قهوه‌ای، به‌دور از خشونت، در جستجوی صلح و محرک حس قدرت و اطمینان و همچنین موجد حس غم و انزواست. قهوه‌ای معمولاً بیانگر طبیعی بودن، زمینی بودن و متفاوت بودن است اما گاهی نشانگر پیچیدگی نیز هست (قاسمی، ۱۳۸۹: ۲۸۳).

اگر قهوه‌ای در منطقه «بی‌تفاوتی» قرار گیرد وضعیت حسی و شرایط جسمانی از اهمیت نایب‌جا برخوردار نخواهد شد. زیرا بدن سالم و کنترل‌شده کمتر توجه صاحب خود را جلب می‌کند اما با داشتن بدن بیمار، رنگ قهوه‌ای شروع به حرکت به‌سوی اولین ردیف‌های رنگ می‌کند که نشان می‌دهد برای ناراحتی جسمانی و ایجاد شرایطی که باعث بهبود این ناراحتی گردد، اهمیت بیشتری قائل شده است (لوشر، ۱۳۹۹: ۹۸).

پنجمین رنگ کاربردی لوشر در اشعار خلیلی رنگ قهوه‌ای است و در اشعار خلیلی صرفاً به‌صورت غیرمستقیم و تداعی‌گر کاربرد دارد:

مبارک عید بر سنگ‌گزینی برای حفظ هر خاری در این خاک (خلیلی، ۱۳۸۵: ۴۲۲)	که جان داده به زیر تیغ جلا سپر کرده تنش چون کوه پولاد (همان: ۲۳۳)
بسا مادر که جان داده میان آتش و آهن شود نوشابه زهر ما چو یاد آریم هر لحظه این خاک تر به خون شده، ماتم سرای کیست؟ آن شاخ ارغوان که خمیده به روی خاک موی سپید مادر شب‌زنده‌دار تو سرها به خاک خفت که تا چند بلهوس شهرها ویران شد و ناموس‌ها برباد رفت	بسا دختر که پرپر سوخته در آشیان بینی وطن‌داری که از خون پر بود جام سفالینش وین مرغ پرشکسته، دل بینوای کیست؟ بر خوابگاه کشته گلگون قبای کیست؟ سوده به خاک تا دل شب در دعای کیست؟ گلگون کنند ساغر عیش از شرابها خاک از سیل سرشک و خون مظلومان تراست (همان: ۱۰۲)

تداعی‌گرهای رنگ قهوه‌ای ۴۰۳ بار به‌کار رفته‌اند که بسامد کاربرد آنها به این صورت است:

جدول شمارهٔ ۵. بسامد رنگ قهوه‌ای و تداعی‌گر آن در شعر خلیلی

دیوان اشعار		رنگ قهوه‌ای و تداعی‌گر آن						
مثنوی‌ها	مسطح‌ها و مستزادها	ترکیبات	چهارپاره‌ها	رباعی‌ها و دوبیتی‌ها	قطعه‌ها	غزل‌ها	قصیده‌ها	
-	-	-	-	-	-	-	-	قهوه‌ای، قهوه
۸	۱	۱	۴	-	-	۱	۹	پولاد، پولادین، فولاد
۵	-	۲	۱	۱	۱	۳	۹	آهن، آهنین
۶	-	۱	-	-	-	-	-	سفال، سفالین، گِل
۷۶	۱۷	۵۱	۱۳	۱۴	۱۵	۳۸	۶۸	خاک، خاکی
۱۱	۲	۵	۶	۲	۲	۴	۲۲	سیل، سیلاب
۲	-	-	۱	-	۱	-	-	زنگ، زنگ‌آلود، بور
۱۰۸	۲۰	۶۰	۲۵	۱۷	۱۹	۴۶	۱۰۸	مجموع
۴۰۳								مجموع کل

۶-۴. رنگ خاکستری (+)

رنگ خاکستری میان دو نهایت است (سیاه و سفید) و می‌تواند رنگ‌مایه هر رنگ دیگری را نیز دریافت کند. غالباً رنگ خاکستری دال بر احساس گوشه‌نشینی، مسئولیت‌گریزی، ابهام، بی‌تفاوتی، غم و دل‌تنگی، سکوت و نوعی تشویش و اضطراب است (شجاعی، ۱۳۹۶: ۸۳). این رنگ خنثی و محصول ترکیب سیاه و سفید از پیرامون خود ماهیت می‌یابد و متعادل و موزون و بی‌تفاوت است. خاکستری با تضادهای شدید و خشن سریعاً خود می‌گیرد و با جذب نیروی آنها از قدرت و پختگی رنگ‌ها می‌کاهد. در واقع نه قاطعیت سیاه و نه شفافیت سفید را دارد. خاکستری همه‌چیز را در خود محو می‌کند. سکون خاکستری با سکون سبز که از رنگ‌های زنده است توفیر دارد. علاوه بر این خاکستری همانند رنگ‌های سیاه و سفید، به سبب حضور نداشتن در رنگین‌کمان، در زمرهٔ بی‌رنگ‌ها آمده است (خواججه‌پور و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۲).

خاکستری رنگی آزاد از هر محرک یا گرایش روانی و خنثی است؛ «نه عینی است و نه ذهنی، نه اضطراب‌آفرین و نه آرامش‌بخش. و فاقد حیطة و قلمرو بوده و فقط یک رمز است» (لوشر، ۱۳۹۹: ۷۴). به اعتقاد هرینگ، فیزیولوژیست مشهور، اعصاب چشم همیشه تمایل بیشتری به رنگ خاکستری دارند و فقدان آن موجب ناراحتی است؛ زیرا دیدنش آرام‌کننده است و مانع خستگی اعصاب چشم می‌شود؛ چراکه نه مجبورند با شدت سفیدی مقابله کنند و نه در مواجهه با سیاهی دچار فشار می‌شوند (خواججه‌پور و همکاران، ۱۳۹۱: ۵). خاکستری ششمین رنگ پرکاربرد در اشعار خلیلی است:

آن سرخ پرچم از سر ایوان شده نگون وان قصر جور گشته چو خاکستر، آفتاب!
(خلیلی، ۱۳۸۵: ۱۰۱)

ماه نو امسال بیند مشت خاکستر به جا	در حریم خانه حق جای قرآن مبین (همان: ۱۹۸)
وطن! آن ابر تیره بر فضای دود آه کیست؟	در آن تابوت گلگون سرو قد کجکلاه کیست؟ (همان: ۴۶۰)
ز ابر ما نمی‌بارد به جز سم	ز خاک ما نمی‌روید به جز غم (همان: ۶۳۷)
از آتش برگ های مصحف	دود اسست بلند سوی کیوان (همان: ۱۸۲)

این رنگ ۲۹۳ بار در شعر خلیلی به کار رفته که ۱۲ بار مستقیم و صریح و ۲۸۱ بار به صورت تداعی‌گر کاربرد داشته است:

جدول شماره ۶. بسامد رنگ خاکستری و تداعی‌گر آن در شعر خلیلی

دیبوان اشعار رنگ خاکستری و تداعی‌گر	قصیده‌ها	غزل‌ها	قطعه‌ها	رباعی‌ها و دوبیتی‌ها	چهار باریها	ترکیبات	مسمطها و مستزادها	مثنوی‌ها
خاکستر، خاکستری	۴	۲	-	-	-	۲	-	۴
ابر	۲۸	۶	۸	۶	۱۰	۹	۱۱	۱۶
سایه	۸	۶	۴	۱	۳	۳	۵	۸
کوه، کوهسار	۲۲	۶	۲	۴	۱۲	۹	۱۱	۴۱
دود، دود اندود	۷	۳	-	۲	۵	۲	۵	۷
غبار، خیره	-	-	-	-	-	۱	-	۱۰
مجموع	۶۹	۲۳	۱۴	۱۳	۳۰	۲۶	۳۲	۸۶
مجموع کل	۲۹۳							

۷-۴. رنگ زرد (۴)

رنگ زرد یادآور شروع دوباره، بهار، امید و آرزوهای شیرین است. گیرایی زمینه طلایی این رنگ دارای انرژی مضاعف و از نظر روان‌شناسی باعث نشاط انسان‌ها می‌شود. زرد از روشن‌ترین رنگ‌ها و مرتبط با فهم و دانایی و نشان دانش و معرفت است. در گنبدهای طلایی مساجد بی‌زانس، زمینه نقاشی استادان قدیمی، به‌ویژه هاله طلایی که هیکل مقدسین را منور می‌ساخته کاربرد داشته است (ایتن، ۱۳۶۷: ۲۱۰).

«زندگانی در فضای زردفام، انسان را بسیار فعال و پرحرارت ساخته و این رنگ، رنگ بیخوابی، بیداری، هیجان، اضطراب و تلاطم فکری است» (آیت‌اللهی، ۱۳۹۹: ۱۵۱). زرد دارای طعم تند ادراک حسی بوده و هرگز آرام‌وقرار ندارد و برای رسیدن به بلندپروازی‌های خود به محیط بیرونی خود فشار وارد می‌سازد (لوشر، ۱۳۹۹: ۹۲-۹۳). این رنگ هفتمین رنگ کاربردی لوشر در اشعار خلیلی است با این تفاوت که در اشعار وی رنگ زرد بیشتر تداعی‌گر درد، اندوه، ناامیدی و رنج و یادآور چهره بیمار است:

چه سیماهای زرد و زعفران‌گون	که گرد غربتش بر رخ نشسته (خلیلی، ۱۳۸۵: ۴۳۲)
آن لاله چه دیده که نگون می دمد امروز	وان سبزه چرا زرد و زیون می‌دمد امروز (همان: ۵۳۱)
نی طبییی تا شناسد درد ما	آه خون‌آلود و رنگ زرد ما (همان: ۶۱۹)
ز هر برگ زردی در این بوستان	به یاد ایدم چه‌رهٔ دوستان (همان: ۶۲۵)
در شهرهای ما همه خون‌آوری و اشک	این‌جا هزارگونه زر و گوهر، آفتاب! (همان: ۱۰۰)

این رنگ در شعر خلیلی «۱۶ بار» به صورت مستقیم و ۱۵۴ بار به صورت تداعی‌گر کاربرد داشته که بسامد آن این گونه است:

جدول شمارهٔ ۷. بسامد رنگ زرد و تداعی‌گر آن در شعر خلیلی

دیوان اشعار	قصیده‌ها	غزل‌ها	قطعه‌ها	رباعی‌ها و دوبیتی‌ها	چهارب‌ها	ترکیبات	مسمط‌ها و مستزادها	مثنوی‌ها	رنگ زرد و تداعی‌گر آن
زرد	۲	-	-	۲	۱	۱	۲	۸	زرد
زر، زرین، زرنگار، طلا، طلایی	۳۰	۵	۲	۱	۱	۶	۵	۱۴	زر، زرین، زرنگار، طلا، طلایی
خزان، میزان	۱۰	۱	۲	-	۲	۸	۲	۹	خزان، میزان
گنج	-	۱	۳	-	۱	۲	۱	۱	گنج
زعفران، زعفرانی، زعفران‌گون	۱	-	۱	-	۲	۲	۱	-	زعفران، زعفرانی، زعفران‌گون
کهربایی	۲	-	-	-	-	-	-	۱	کهربایی
زهر، زهرآلود، سم	۱۲	۴	۵	۱	۱	۷	۲	۵	زهر، زهرآلود، سم
قناری	-	-	۱	-	-	-	-	-	قناری
مجموع	۵۷	۱۱	۱۴	۴	۸	۲۶	۱۳	۳۷	مجموع
مجموع کل	۱۷۰								

۸-۴. رنگ بنفش (۵)

بنفش ترکیبی از رنگ‌های آبی و قرمز و دارای ویژگی‌های هر دو رنگ است؛ البته تندی قرمز با آرامش و خنکی آبی فروکش کرده و بیننده را به آرامش و رهایی دعوت می‌کند. بنفش را رنگ عرفان و معنویت، عظمت و اقتدار، تفکر، آرامش، الهام‌بخش، تطهیرکننده افکار و احساسات و موجد خیال‌پردازی می‌دانند و گاه نشانهٔ وقار، معنویت، شاهانه بودن، عیش و نعمت، دارایی، اعتبار و نفوذ و گاه هم سوگواری است (شجاعی، ۱۳۹۶: ۸۲-۸۳). خصوصیات بنفش سردی، انزواطلبی، بی‌طرفی، غم و تسلیم است (خواججه‌پور و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۷). بنفش در دایرهٔ رنگی مبین دینداری است و زمانی که تیره و تاریک گردد اوهام و خرافات را می‌رساند. بنفش سمبل هرج‌ومرج، مرگ، ستایش و عظمت نیز هست (ایتن، ۱۳۶۷: ۲۱۹).

انرژی بنفش توجه ما را به روح و روان خود و تقویت خرد معطوف می‌سازد که حاصلش افزایش استعداد و خلاقیت است. در کل بنفش رنگی سرد است اما پوشیدن آن «به فرد، احساساتی چون احترام به خود، وقار و عزت نفس می‌بخشد» (سان، ۱۳۷۹: ۱۳۲). از نظر روان‌شناسی نیز، ارغوانی از طیف‌های رنگ بنفش، تداعی‌کننده معنویت و آرامش و تقویت‌کننده افکار است (دی و تیلور، ۱۳۸۷: ۹۰-۹۱).

اگر بنفش در وضعیت هشتم قرار گیرد، به این معناست که آرزوی صمیمیتی عارفانه با فرد دیگری رد یا سرکوب شده است و همین محافظه‌کاری موجب می‌شود تا شخص تمایلی به تعهد عمیق به رابطه (اعم از شخصی یا شغلی) نداشته باشد (لوشر، ۱۳۹۹: ۹۶-۹۷).

بنفش در شعر خلیلی کمترین کاربرد را دارد که نمونه‌های آن به قرار ذیل است:

آن شاخ ارغوان که خمیده به روی خاک بر خوابگاه کشته گلگون قیای کیست؟
(خلیلی، ۱۳۸۵: ۲۵۳)

رگ خون شهیدان است کز قلب زمین جوشد اگر در بوستانی شاخه‌های ارغوان بینی
(همان: ۲۳۳)

توانگران به ورود تو کرده‌اند به پا رواق‌های بنفش و سپید و سرخ و کبود
(همان: ۱۲۴)

بر خرمن بنفشه نگر لاله‌های سرخ چون جرقه‌های آتش، از سبز آبدان
(همان: ۱۷۹)

بنفش ۱۴ بار به صورت صریح و ۴۶ بار با تداعی‌گرها آمده که بسامد آن چنین است:

جدول شماره ۸. بسامد رنگ بنفش و تداعی‌گر آن در شعر خلیلی

دیوان اشعار	فصلیه‌ها	غزل‌ها	قطعه‌ها	رباعی‌ها و دویتی‌ها	چهارباره‌ها	ترکیبات	مسمط‌ها و مستزادها	مثنوی‌ها
بنفش، بنفشه	۶	۱	۱	-	۱	۳	-	۲
ارغوان، ارغوانی	۶	۶	۱	۱	-	۴	۲	۳
سنبل	-	۵	۲	۱	۱	۴	۱	۲
سمن، یاسمن	-	۴	-	۱	-	-	۲	-
مجموع	۱۲	۱۶	۴	۳	۲	۱۱	۵	۷
مجموع کل					۶۰			

۵. گروه بندی و علامت‌گذاری ردیف هشت رنگ

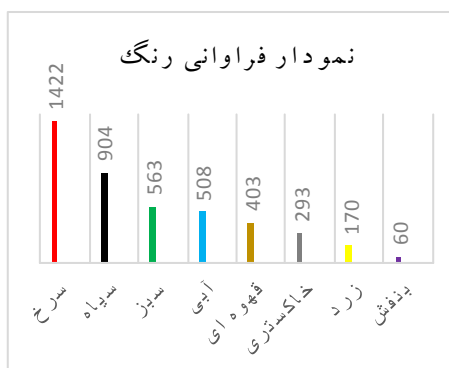
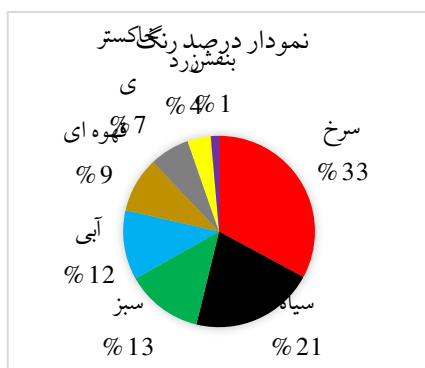
در آزمایش لوشر، نخست هشت رنگ خاکستری (۰)، آبی (۱)، سبز (۲)، سرخ (۳)، زرد (۴)، بنفش (۵)، قهوه‌ای (۶) و سیاه (۷)، برحسب میزان کاربرد و فراوانی، در یک ردیف قرار می‌گیرند و بعد زوج‌زوج و دوتایی گروه‌بندی می‌شوند. دو رنگ دارای ترجیح شدید در مکان نخست و بیانگر «گرایش و تمایل فرد» هستند که آن را برای رسیدن به هدف خود انتخاب کرده است و با علامت (+) مشخص می‌شود. دو رنگ که در مکان دوم قرار می‌گیرند، بیانگر «وضع واقعی و

هدف موردنظر «است؛ وضعیتی که شخص واقعا خود را در آن می‌یابد و نمایانگر رفتاری است که زاینده شرایط موجود اوست و با علامت (x) نشان داده می‌شود. دو رنگ در مکان سوم مبین «بی‌اهمیتی و بی‌تفاوتی» شخص نسبت به آنهاست، یعنی صفات خاص این گروه نه رد شده است و نه جنبه دلخواه دارد، بلکه به‌عنوان ذخیره نگهداری شده است و با علامت (=) مشخص می‌شود. و سرانجام دو رنگی که در گروه چهارم قرار می‌گیرند نیز بیانگر «عدم تمایل یا گریز» بوده و به‌عنوان «غیردلخواه» طرد شده‌اند که با علامت (-) نشان داده می‌شود (لوشر، ۱۳۹۹: ۳۲-۳۵).

در ادامه نخست درصد فراوانی کاربرد این رنگ‌ها را در اشعار خلیل‌الله خلیلی مشخص و سپس گروه‌بندی کرده‌ایم:

جدول شماره ۹. بسامد فراوانی و درصد رنگ‌ها در شعر خلیلی

رنگ	سرخ	سیاه	سبز	آبی	قهوه	خاکستری	زرد	بنفش	مجموع
فراوانی	۱۴۲۲	۹۰۴	۵۶۳	۵۰۸	۴۰۳	۲۹۳	۱۷۰	۶۰	۴۳۲۳
درصد	۳۳	۲۱	۱۳	۱۲	۹	۷	۴	۱	۱۰۰



نمودار شماره ۱۰. توزیع فراوانی و درصد رنگ‌ها در شعر خلیلی

هر چند در روش کاربردی ماکس لوشر، فرد آزمون‌دهنده، پس از انتخاب نخست گروه‌های رنگی، باید انتخاب دیگری، با فاصله تقریبی نیم‌ساعت، انجام دهد؛ اما در این پژوهش، به دلیل آن که انتخاب دوم ممکن نیست همان گروه اول دوباره چیده می‌شود و بدین ترتیب، چیدمان رنگ‌ها نیز چنین می‌شود:

سرخ (۳)	سیاه (۷)	سبز (۲)	آبی (۱)	قهوه‌ای (۶)	خاکستری (۰)	زرد (۴)	بنفش (۵)
سرخ (۳)	سیاه (۷)	سبز (۲)	آبی (۱)	قهوه‌ای (۶)	خاکستری (۰)	زرد (۴)	بنفش (۵)

با در نظر داشت ترکیب رنگ‌های فوق، چهار زوج عبارت‌اند از:

$$+۷+۳ \quad x۱ \quad x۲ \quad =۰=۶ \quad -۵-۴$$

و حال هر زوج جداگانه بررسی و وضعیت و عملکردهای شاعر در هر گروه تحلیل می‌شود:

۶. تحلیل و تفسیر عملکردهای شاعر در هر گروه

۶-۱. تحلیل وضعیت شاعر در گروه نخست: ۳+۷ (سرخ+سیاه)

– سرخ (۳+): فرد «فعال، زنده‌دل و باروچیه است و از فعالیت لذت می‌برد. فعالیت او درجهت کامیابی یا پیروزی هدایت می‌شود و می‌خواهد همیشه زندگی‌اش کامل و سرشار باشد» (لوشر، ۱۳۹۹: ۱۴۶).

– سیاه (۷+): شرایط موجود را برخلاف میل خود و بسیار طاقت‌فرسا می‌بیند اما اجازه نمی‌دهد هیچ‌چیز در افکار او تأثیر منفی بگذارد (همان: ۱۵۳).

– سرخ+سیاه (۷+۳): زوج قرمز-سیاه در گروه اول (گرایش و تمایل)، یعنی شخص برای جبران از دست داده‌های خود به فعالیت شدید می‌پردازد و حس می‌کند قادر است خود را از آزاردهنده‌ها برهاند (همان: ۱۴۸) و از سرکوب این احساس هم می‌رنجد. این تحریکات سرکوب شده ممکن است غیرارادی و برانگیخته‌گیان کند (همان: ۱۵۴).

۶-۲. تحلیل وضعیت شاعر در گروه دوم: ۲x۱ (سبز+آبی)

– سبز (۲x): فرد با پافشاری بر خواسته‌هایش خود را محق می‌داند و می‌کوشد موقعیتش را ثابت و حفظ کند (همان: ۱۵۹).

– آبی (۱x): فرد در روابطش آرام و با کمترین ناراحتی عمل می‌کند و با دوستان و نزدیکان خود احساس راحتی و آسایش می‌کند (همان: ۱۵۸).

– سبز x آبی (۱x۲): لوشر زوج سبز - آبی در گروه دوم را به این معنا می‌داند: شخص منظم و مرتب و دوراندیش، تأیید طلب و نیازمند احترام، همدردی، شناسایی و درک از سوی نزدیکانش است (همان: ۱۵۹).

۶-۳. تحلیل وضعیت شاعر در گروه سوم: ۶=۰ (قهوه‌ای+خاکستری)

– قهوه‌ای (=۶): نیازی برآورده نشده به دوستی و معاشرت با کسانی دارد که همچون او معیارهای عالی داشته باشند؛ بنابراین با افراد هم‌سطح و هم‌فکر خود دوستی و صمیمیت دارد و از افراد عادی کناره‌گیری می‌کند و خواستار احترام از جانب دیگران است (لوشر، ۱۳۹۹: ۲۲۰).

– خاکستری (=۰): «مایل به مشارکت در کارها و همکاری با دیگران است اما برای کاستن از اضطرابش می‌کوشد تا در برابر کشمکش‌های درونی و اختلالات روحی از خودش دفاع کند» (همان: ۱۶۹).

– قهوه‌ای = خاکستری (=۰): از دیدگاه لوشر زوج قهوه‌ای-خاکستری در گروه سوم (بی‌اهمیتی و بی‌تفاوتی) مبین تمایل شخص به بروز احساسات و هیجان‌اتش و زندگی همراه با عشق و علاقه است اما می‌کوشد تا از تضاد دوری کند و به او احترام بگذارند (همان: ۱۷۰-۱۷۹).

۴-۶. تحلیل وضعیت شاعر در گروه آخر: ۴-۵- (زرد+بنفش)

– زرد (۴-): ناامیدی موجب اضطراب شخص و آرزوهای برآورده‌نشده باعث تردید و نگرانی‌اش می‌شود. او نیازمند حس آرامش و امنیت است، اما می‌ترسد که نادیده گرفته شود یا موقعیت و اعتبار خودش را از دست بدهد. این تردید به آینده بهتر و طرز تلقی منفی به‌سوی درخواست‌های مبالغه‌آمیز و رد هرگونه سازش منطقی می‌رود و به بدبینی ناشی از اضطراب و ترس می‌انجامد (لوشر، ۱۳۹۹: ۲۰۷).

– بنفش (۵-): از خوش‌سلیقگی، دلپذیر و حساس بودن لذت می‌برد، اما منتقد نیز هست و کنترلی شدید بر روابط عاطفی او حاکم است. صرفاً به شرط خلوص نیت کامل به دیگران اعتماد می‌کند و البته دارای تحلیل منطقی است (همان: ۲۱۴).

– زرد-بنفش (۴-۵): اگر زوج زرد - بنفش در وضعیت آخر (عدم تمایل یا گریز) قرار گیرد، به این معناست که یأس و ناامیدی شخص به کناره‌گیری از دیگران و انزوا منجر شده است. او با سرکوب شوروشوق درونی خود می‌ترسد که با عملی کردن خواسته‌هایش اختیار از کف بدهد. به سبب احساس فریب‌خوردگی، به تنهایی پناه می‌برد تا از خود مراقبت کند. به محرک‌ها حساس و محتاط است تا به اطمینان برسد؛ مراقبتی که به آسانی به بدگمانی و بی‌اعتمادی تبدیل می‌شود. در واقع مارگزیده‌ای است که از هر ریسمانی می‌ترسد (همان: ۲۱۱).

۷. نتیجه

طبق نظریهٔ ماکس لوشر، رنگی که در انتخاب اول قرار می‌گیرد نمایانگر هنجارها و ناهنجارهای ذهن شاعر است. انتخاب نخست خلیلی در اشعارش «رنگ سرخ و سیاه» است. سرخ نماد مرگ و زندگی است. انتخاب سیاه در کنار سرخ، در وضعیت اول، بیانگر کشمکش‌های درونی، ناخشنودی و انزجار شاعر از محیط، اعتراض به اوضاع، تنفر از تجاوز، بی‌عدالتی و فضای اختناق‌آور جامعه است. رنگ سرخ در اشعار خلیلی حکایت از شهادت، قیام و مبارزه دارد. او راه برون‌رفت از رنگ سیاه را در رنگ سرخ می‌جوید و اشعارش پوشیده از خون، شهید و شهادت و دعوت به قیام است؛ اما رنگ سبز و آبی در وضعیت دوم (وضع واقعی و هدف موردنظر) تمایل او به زندگی بهتر و اصلاح وضعیت جامعه را نشان می‌دهد و حاکی از علاقه و شور او برای ایجاد تغییرات عمیق اجتماعی است. آبی در کنار سبز نیز از آرامش و امید به آینده حکایت دارد.

انتخاب رنگ قهوه‌ای، رنگ فاقد شور زندگی و قدرت تأثیر فعال، و رنگ نه تیره و نه روشن خاکستری، رنگی خنثی و آزاد از هر محرک روانی، در وضعیت سوم (وضعیت بی‌اهمیتی و بی‌تفاوتی)، نشان می‌دهد که خلیلی احساسات و هیجانات خود را چگونه بروز می‌دهد و همین مسأله شعر او را پوشیده‌تر، رمز‌آمیزتر و در نتیجه هنری‌تر کرده است.

سرانجام انتخاب رنگ زرد و بنفش در وضعیت چهارم بیانگر ناامیدی و انزوای شاعر است. او شوروشوق ذاتی و طبیعت خیال‌پرور خود را حتی‌الامکان پنهان می‌کند و این مسأله زبان شعر او را نمادین کرده است. شاعر محرک‌ها را بادقت و احتیاط بررسی می‌کند تا نسبت به خلوص آنها مطمئن شود؛ مراقبتی که به بدگمانی و بی‌اعتمادی بدل می‌شود.

در واقع با تحلیل رنگ‌های کاربردی آزمون لوشر در اشعار خلیلی به این نتیجه می‌رسیم هرچند بسامد رنگ قرمز و سیاه در وضعیت اول، که نشانگر فضای تجاوز، استبداد، اختناق و نابسامانی‌های اجتماعی است، در شعر خلیلی، به‌عنوان شاعری واقع‌نگر و همدل و همدرد با مردم، بالاست؛ اما با انتخاب رنگ سبز و آبی در وضعیت دوم، شور زندگی و امید به بهبود وضعیت حاکم در دیدگاهش نمایان می‌شود؛ چون او ناقدی اجتماعی بوده و در پی راهی برای بهبود اوضاع نیز هست.

منابع

- آیت‌اللهی، حبیب‌الله (۱۳۹۹)، *میانی نظری هنرهای تجسمی*، چ ۱۵، تهران، سمت.
- ارجندی، عبدالمجید (۱۳۹۱)، «بررسی تحولات زبان و شعر معاصر فارسی افغانستان»، *مجموعه مقالات همایش انجمن ترویج زبان و ادب فارسی*، دوره هفتم، ج ۱، ۳۲۲-۳۳۷.
- اسماعیل‌پور، ابوالقاسم (۱۳۸۷)، *اسطوره؛ بیان نمادین*، چ ۲، تهران، سروش.
- انوشه، حسن و حفیظ‌الله شریعتی (۱۳۸۲)، *افغانستان در غربت*، تهران، نسیم بخارا.
- ایتن، جوهانز (۱۳۶۷)، *کتاب رنگ*، ترجمه حسین حلیمی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- باسانو، مری (۱۳۸۳)، *شفا با کمک موسیقی و رنگ*، ترجمه آذر عمرانی گرگری، تهران، ارسباران.
- بصیری، محمدصادق (۱۳۸۸)، *سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی*، ج ۱، کرمان، دانشگاه شهید باهنر.
- پناهی، مهین (۱۳۸۵)، «روان‌شناسی رنگ در مجموعه اشعار نیما (براساس روان‌شناسی رنگ ماکس لوشر)»، *پژوهش‌های ادبی*، دوره ۳، ش ۱۲ و ۱۳، ۴۹-۸۲.
- خلیلی، خلیل‌الله (۱۳۸۵)، دیوان خلیل‌الله خلیلی، به کوشش محمد کاظم کاظمی، تهران، عرفان.
- خواججه‌پور، میلاد و همکاران (۱۳۹۱)، *رنگ؛ روان‌شناسی زندگی*، تهران، سبزان.
- دی، جاناتان و لسلی تایلور (۱۳۸۷)، *روان‌شناسی رنگ (رنگ‌درمانی)*، ترجمه مهدی گنجی، تهران، ساوالان.
- سان، هواردو دورتی (۱۳۷۹)، *زندگی با رنگ (روان‌شناسی و درمان با رنگ‌ها)*، ترجمه نغمه صفاریان‌پور، تهران، اساطیر.
- شجاعی، حیدر (۱۳۹۶)، *نمادشناسی تطبیقی (۵)*، تهران، شهر پدram.
- شفیعی‌کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۵)، *صور خیال در شعر فارسی*، چ ۶، تهران، آگاه.
- علوی‌مقدم، مهیار و سوسن پورشهرام (۱۳۸۹)، «کاربرد نظریه روان‌شناسی رنگ ماکس لوشر در نقد و تحلیل شعر فروغ فرخزاد»، *پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی*، سال ۴۶، ش ۲، ۸۴-۹۴.
- فتوحی، محمود (۱۳۸۷)، «سه صدا، سه رنگ و سه سبک در شعر قیصر امین‌پور»، *ادب‌پژوهی*، سال ۲، ش ۵، ۱-۳۰.
- فرچ‌نژاد فرهنگ، زهرا (۱۳۹۵)، «روان‌شناسی رنگ در اشعار هوشنگ ابتهاج براساس آزمایش ماکس لوشر»، *بهارستان سخن*، سال ۱۳، ش ۳۱، ۱۵۵-۱۸۰.
- قاسمی، ریحانه (۱۳۸۹)، *رنگ؛ فرمانروای فرهنگ*، قم، دارالعلم.
- قاسم‌زاده، سیدعلی و ناصر نیکوبخت (۱۳۸۲)، «روان‌شناسی رنگ در اشعار سهراب سپهری»، *پژوهش‌های ادبی*، سال ۱، ش ۲، ۱۴۵-۱۶۵.
- قائمی، مرتضی و مجید صمدی (۱۳۸۹)، «بررسی کاربرد رنگ‌ها در تصویرپردازی محمود درویش از مقاومت فلسطین»، *ادبیات پایداری*، سال ۱، ش ۲، ۲۶۱-۲۸۷.
- لوشر، ماکس (۱۳۹۹)، *روان‌شناسی رنگ‌ها*، ترجمه ویدا ابی‌زاده، چ ۳۲، تهران، لیوسا.
- _____ (۱۳۹۸)، *روان‌شناسی رنگ‌ها*، ترجمه مانا رامشنی، تهران، ندای معاصر.
- محسنی، مرتضی و همکاران (۱۳۹۱)، «تحلیل رنگ در اشعار شاملو براساس نظریه ماکس لوشر»، *ششمین همایش ملی پژوهش‌های ادبی*، دانشگاه شهید بهشتی.

مظفری، ابوطالب (۱۳۷۳)، «شاعری جست‌وجوی حقیقت است»، شعر، سال ۲، ش ۱۴، ۸۲-۸۷.
نیکوبخت، ناصر و سیدعلی قاسم‌زاده (۱۳۸۹)، «نسبت کاربرد رنگ‌واژه‌ها با روان‌شناسی شخصیت در شعر شاملو»،
پرنیان سخن (مقالات پنجمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی)، ۲۲۱۸-۲۲۳۹.
واصف باختری، محمدشاه (۱۳۷۳)، «دیروز، امروز و فردای شعر افغانستان»، شعر، سال ۲، ش ۱۴، ۷۰-۸۱.
ویلز، پاولین (۱۳۷۴)، رنگ‌درمانی، ترجمهٔ مرجان فرجی، تهران، درسا.

References

- Alavi Moghadam. M & Purshahram. S. (2010). The theory of Max Luscher's psychology in the analysis of Forough Farrokhzad's poetry. *Persian language and literature researches*. 46(2). 84-94. (In Persian)
- Anosha. H & Shariati. H. (2003). *Afghanistan in exile*. Tehran. Nasim Bukhara. (In Persian)
- Arjomandi. A.M. (2012). Studying the developments of contemporary Persian language and poetry in Afghanistan. *Proceedings of the conference of the Association for the Promotion of Persian Language and Literature*. 7(1). 322-337. (In Persian)
- Ayatollahi. H. (2020). *Theoretical foundations of visual arts*. (15th ed). Tehran. Samt. (In Persian)
- Bassano. M. (2004). *Healing with music and color*. (A. Gargari, Trans). Tehran. Arsbaran. (In Persian)
- Basiri. M.S. (2009). *The analytical course of resistance poetry in Persian literature*. (1st vol). Kerman. Shahid Bahonar University. (In Persian)
- Dee. J & Taylor. L. (2008). *Colour therapy*. (M.Ganji, Trans). Tehran. Savalan. (In Persian)
- Esmailpur. A.Q. (2008). *Mythology, symbolic expression*. (2nd ed). Tehran. Soroush. (In Persian)
- Faraj Nejad Farhang. Z. (2016). Color psychology in Houshang Ebtahaj's poems based on Max Luscher's theory. *Baharestan Sokhan*. 13(31). 155-180. (In Persian)
- Fotohi. M. (2008). Three voices, three colors and three styles in Ghaiser Aminpor's poetry. *Literature study*. 2(5). 1-30. (In Persian)
- Ghasemi. R. (2010). *Color, ruler of culture*. Qom. Darul Alim. (In Persian)
- Ghasimzada. S.A & Nikubakht. N. (2003). Color psychology in Sohrab Sepehri's poems. *Literary research*. 1(2). 145-165. (In Persian)
- Ghaimi. M & Samadi. M. (2010). Study the use of colors in Mahmoud Darwish's Imagination of the Palestinian resistance. *Resistance literature*. 1(2). 261-287. (In Persian)
- Itten. J. (1988). *Color book*. (H.Halimi, Trans). Tehran. Ministry of Culture and Islamic Guidance. (In Persian)
- Khalili. KH. (2006). A collection of poems by Khalilullah Khalili. (K. Kazemi, Collect). Tehran. Mysticism. (In Persian)
- Khwajapur. M & et al. (2012). *Color, psychology of life*. Tehran. Sabzan. (In Persian)
- Luscher. M. (2020). *The Luscher Color Test*. (32nd ed. W. Abizada, Trans). Tehran. Liusa. (In Persian)
- Luscher. M. (2019). *The Luscher Color Test*. (M. Ramshni, Trans). Tehran. Nidaye Maasir. (In Persian)

- Mohseni. M & et al. (2012). Analysis of color in Shamlu's poems based on Max Luscher's theory. *The 6th National Literary Research Conference, Shahid Beheshti University*. (In Persian)
- Mozafari. A.T. (1994). Poetry is a search for truth. *Poetry*. 2(14). 82-87. (In Persian)
- Nikubakht. N & Ghasimzada. S.A (2010). The relationship between the use of color words and the psychology of personality in Shamlou's poetry. *Parnian Sokhan, Papers of the 5th Persian Language and Literature Research Conference*. 2218-2239. (In Persian)
- Panahi. M. (2006). Color psychology in Nima's poem collection based on Max Luscher's color theory. *Literary research*. 3(12,13). 49-82. (In Persian)
- Sun. H. D. (2000). *Colour Your Life, Psychology and therapy with colors*. (N. Safarianpor, Trans). Tehran. Asatir. (In Persian)
- Shujayei. H. (2017). *Comparative Symbolology (5)*. Tehran. Shahre Pedram. (In Persian)
- Shafiei Kadkani. M.R. (1996). *Imagination in Persian poetry*. (6th ed). Tehran. Agah. (In Persian)
- Wasif Bakhtari. M.SH. (1994). Yesterday, today and tomorrow of Afghanistan poetry. *Poetry*. (2(14). 70-81. (In Persian)
- Wills. P. (1995). *Colour Healing Manual*. (M. Faraji, Trans). Tehran. Dorsa. (In Persian)